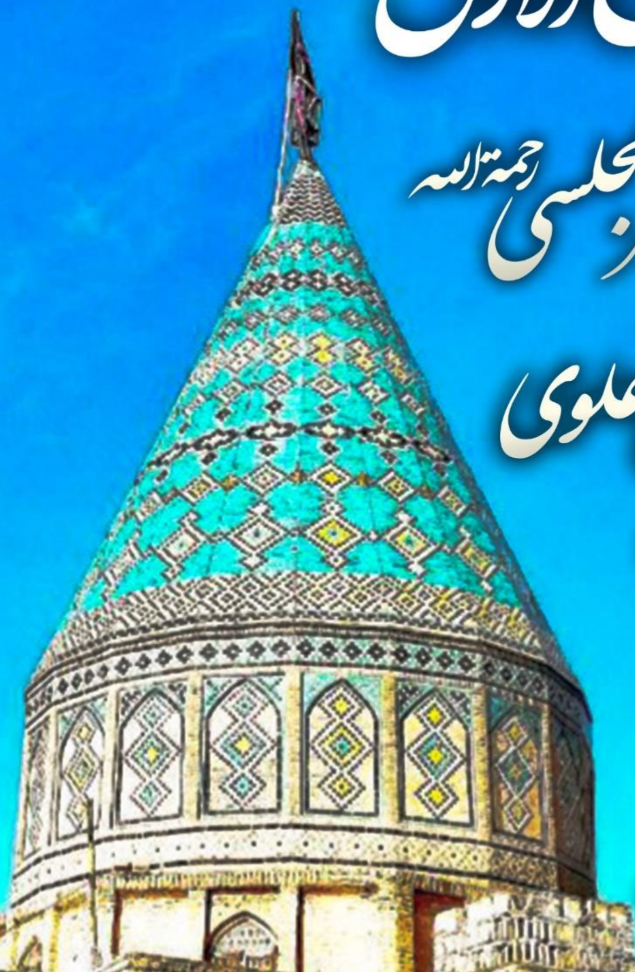
تعیین روز قتل عمر

و فضائل نهم ربیع الاول



تألیف علامه محمد باقر مجلسی رحمة الله

تصحیح و تحقیق ابوعلی علوی




بسم الله الرحمن الرحیم

تعیین روز قتل عمر و فضائل نهم ربیع الاوّل

تالیف علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله

تحقیق و تصحیح: ابوعلی علوی

اللهم كن لوليك الحجة بن الحسن صلواتك

عليه وعلى آبائه في هذه الساعة وفي كل

ساعة وليا وحافظا وقائدا وناصرا ودليلا

وعينا حتى تسكنه أرضك طوعا وتمتعه فيها طويلا

اللهم صلّ على محمد وآل محمد

والعن صنمي قريش وجبتيها وطاغوتيها

مقدمه محقق

بسم الله الرحمن الرحیم. اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و العن اعدائهم اجمعین الی یوم الدین.

سنت مقدسه برائت، از اصول مذهب تشیع است و حتی بر ولایت نیز تقدم دارد و تا وقتی که شخص، برائت از دشمنان آل محمد علیهم السلام نداشته باشند، نمی‌تواند ادعای محبت و ولایت آن حضرات را بکند.

چنانچه شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: فردی از دوستداران و محبین شما است اما برائت از دشمنان شما ندارد.

قرآن ناطق امام صادق علیه السلام در جواب آن شخص فرمود:

هیهات،کذب من ادعی محبتنا و لم یتبرا من عدونا[1]

«هیهات! دروغ می گوید کسی که ادعای محبت ما اهل بیت علیهم السلام را بکند اما از دشمنان ما برائت نداشته باشد».

و همچنین غریب الغرباء معین الضعفاء حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرماید:

کمال الدین ولایتنا و البرائهٔ من عدونا[2]

«کمال دین، اعتقاد به ولایت ما اهل بیت علیهم السلام و برائت از دشمنان ما است».

احادیث در باب اثبات لعن و برائت از اعداء آل محمد علیهم السلام، متواتر است و اگر بخواهیم تمام آنان را ذکر کنیم خود رساله‌ای جداگانه و قطور خواهد شد.

اما یک عده از شیعه نمایانی که تنها به اسم خود را مرید اهل بیت علیهم السلام می‌نامند اما در حقیقت از ولیجه‌هایی غیر اهل بیت علیهم السلام پیروی کرده و از آثار اهل بیت علیهم السلام متابعت

[1] بحار الانوار،ج ۲۷، ص۵۸
[2] بحار الانوار ج۲۷ ص ۵۸

نمی‌کنند، همیشه سعی داشته‌اند که مساله برائت و لعن را خرافه و جعلی جلوه دهند و بدین وسیله بدعت و عقیده باطل خود یعنی «وحدت» را ثابت کنند.

یکی از حربه‌هایی که این جماعت در رد برائت و لعن و اثبات وحدت داشتند و دارند این است که بگویند «نهم ربیع الاول» روز به درک واصل شدن عمر علیه اللعنه نیست و این روز را اهل بیت علیهم السلام عید نگرفتند و روز به درک واصل شدن آن ملعون نیز به اتفاق مورخان چنانچه مخالفین می‌گویند بیست و ششم یا بیست و هشتم ذی الحجه است و چون روایتی در باب فرح اهل بیت علیهم السلام در این روز(بیست و ششم ذی الحجه) نداریم، پس مساله فرحۀ الزهراء سلام الله علیها و شادی در روز به درک واصل شدن عمر علیه اللعنه منتفی می‌شود.

علامه فاضل، مدافع مکتب آل الله علیهم السلام، محمد باقر مجلسی[۳] رضوان الله تعالی علیه رساله‌ای در این باب تالیف کرده‌اند. اما این رساله تا کنون چاپ نشده و به صورت نسخه خطی در کتابخانه‌ها موجود است. و چون نسخه خطی آن در دسترس حقیر بود و مطالعه نسخه خطی در این عصر شاید برای مردم چندان انتفاعی

[۳] متوفی ۱۱۱۱ هجری قمری

نداشته باشد آن را به صورت فایل چاپی در آوردم. امید است که شیعیان اهل بیت علیهم السلام در نشر این رساله شریفه کوتاهی نکنند و حقیر را از دعای خیرشان محروم نسازند.

بر دشمن امیر المومنین علیه السلام لعنت

کلب روسیاه سیده رقیه سلام الله علیها

ابوعلی علوی- ربیع الاول ۱٤٤۲

رساله تعیین روز قتل عمر و فضائل نهم ربیع الاول

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الذی انار قلوب المومنین ببوار الکافرین و المنافقین و حمد نفسه علی قطع دابر الظالمین و الصلاۀ علی فخر العالمین محمد واهل بیته الطاهرین و لعنۀ الله علی اعدائهم الی یوم الدین.

اما بعد چنین گوید تراب اقدام طالبان حق و یقین، محمدباقر بن محمدتقی حشرهما الله مع الائمۀ المعصومین که چون در تاریخ کشته شدن عمر بن الخطاب علیه اللعنۀ و العذاب میان خاصه و عامه اختلافی هست در این رساله اشاره مجمل و مستند الهامی نماید.بدان که مشهور میان علمای خاصه و عامه آن است که کشتن آن ملعون در بیست و ششم ماه ذی الحجه واقع شد و بعضی بیست و هفتم نیز گفته‌اند و مستند این دو قول، نقل مورخان است و از کتب معتبره چنان معلوم می‌شود که چنانچه الحال میان عوام شیعه مشهورا قتل آن ملعون در نهم ماه ربیع الاول واقع شده است و سابقا میان جمعی از محدثین شیعه نیز چنین مشهور بوده است و

سید بزرگوار علی بن طاووس در کتاب اقبال اشاره نموده است به آنکه ابن بابویه علیه الرحمهٔ و الرضوان روایتی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که آن ملعون در روز نهم ماه ربیع الاول بدرک اسفل جحیم متوجه شده است و از نقل او چنان مفهوم می‌شود که شیخ صدوق چنان اعتقاد داشته است؛ هرچند سند خود از حدیث را تأویلات نموده است و ایضاً سید ذکر کرده است که جماعتی از شیعیان عجم پیوسته آن روز را به این سبب تعظیم و تکریم نموده و خلف بزرگوار سید علی بن طاووس در کتاب زواید الفواید این مذهب را تقویت کرده است و روایت معتبری در این باب ایراد نموده است. چنانچه گفته است که روایت کرده‌اند محمد بن العلا همدانی و یحیی بن محمد بن جریح بغدادی که روزی ما منازعه کردیم در باب عمر بن الخطاب علیه اللعنهٔ و العذاب و رفتیم در شهر قم به نزد احمد بن اسحاق قمی که از خواص حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری صلوات الله علیهما بود و به خدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام نیز رسیده بود و چون در را کوبیدیم دختر عراقی بیرون آمد و احوال احمد را از او پرسیدیم.گفت: او امروز مشغول اعمال عید است و این روز نهم ماه ربیع الاول بود.گفتیم: سبحان الله عیدهای مومنان چهار است: عید فطر و عید اضحی و عید غدیرو روز جمعه.

آن دختر گفت که: احمد بن اسحاق از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه روایت می کند که امروز عید است و بهترین عیدها است نزد اهل بیت رسالت علیهم السلام و شیعیان ایشان. گفتیم که رخصت بطلب تا به نزد او آییم چون آن دختر او را خبر کرد بیرون آمد بسوی ما و لنگی بسته بود و عبائی بر خود پیچیده بود و بوی مشک از او ساطع بود ما گفتیم:

که این چه حالتی است که در تو مشاهده می‌کنیم. گفت: الحال از غسل عید فارغ شده‌ام. گفتیم: امروز مگر عید است؟ گفت: بلی. و ما در خانه خود درآورد و بر کرسی نشانید و گفت: روزی با جمعی از برادران خود به نزد مولای خود حضرت امام حسن عسکری رفتیم در سر من رای[4] در مثل این روز که شما به نزد من آمده‌اید چون رخصت یافتیم و به خدمت حضرت رسیدیم دیدیم که حضرت مجلس خود را آراسته و مجمره[5] در پیش خود گذاشته است و به دست مبارک خود عود را در آن مجمره می‌اندازد و مجلس خود را مزین گردانیده است و بر غلامان و خدمتکاران خود جامه‌های فاخر پوشانیده است. گفتیم: یابن رسول الله! پدران و

---

[4] سامرا

[5] عود سوز

مادران ما فدای تو باد! آیا از برای اهل بیت امروز فرحی تازه رو داده است. حضرت فرمود: کدام روز حرمتش از این روز نزد اهل بیت عظیم تر است؟ به درستی که مرا خبر داد پدرم علیه السلام که حذیفۀ بن یمان در روز نهم ماه ربیع الاول داخل شد بر جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله. حذیفه گفت که دیدم که حضرت امیر المومنین و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات الله علیهم را که با حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله طعام تناول می‌نمودند و آن حضرت بر روی ایشان تبسم می‌نمود و با امام حسن و امام حسین علیهما السلام می‌گفت بخورید گوارا باد از برای شما برکت این روز. به درستی که این روزیست که حق تعالی هلاک می‌کند در این روز دشمن خود و دشمن جد شما را و مستجاب می‌گرداند در این روز دعای مادر شما را. بخورید که این روزیست که حق تعالی در این روز قبول می‌کند اعمال شیعیان و محبان شما را. بخورید که این روزیست که ظاهر می‌شود راستی قول خدا که می‌فرماید که **فتلک بیوتهم خاویۀ بما ظلموا** [۶]یعنی این است خانه‌های ایشان که خالی گردیده است به سبب ستم‌های ایشان. بخورید که این روزیست که شکسته می‌شود در این روز

---

[۶] آیه ۵۲ سوره مبارکه نمل

شوکت دشمن جد شما و یاری کننده دشمن شما.بخورید که در این روز هلاک می‌شود فرعون اهل بیت من و ستم کننده بر ایشان و غصب کننده حق ایشان. بخورید که این روزیست که حق تعالی دشمنان شما را باطل و هبا می‌گرداند. حذیفه گفت که من گفتم: یا رسول الله! آیا در میان امت تو کسی خواهد بود که هتک این حرمت‌ها نماید؟ حضرت فرمود که: ای حذیفه! بتی از منافقان بر ایشان سرکرده خواهد شد و دعوای ریاست در میان ایشان خواهد نمود و تازیانه ظلم و ستم را بر دوش خواهد گرفت و مردم را از راه خدا منع خواهد کرد و کتاب خدا را تحریف خواهد نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث فرزند مرا متصرف خواهد شد و خود را پیشوای مردم خواهد خواند و زیادتی بر وصی من علی بن ابیطالب خواهد کرد و در غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد و مرا و برادر من و وزیر من علی را به دروغ نسبت خواهد داد و دختر مرا از حق خود محروم خواهد گرداند. پس دختر من او را نفرین خواهد کرد و حق تعالی نفرین او را در این روز مستجاب خواهد گردانید. حذیفه گفت: یا رسول الله! چرا دعا نمی‌کنی که حق تعالی او را در حیات تو هلاک گرداند؟ حضرت فرمود: ای حذیفه دوست ندارم که جرات کنم بر قضای خدا و از او طلب کنم تغییر امری را که در علم او گذشته است. ولیکن از حق تعالی سوال

کردم که فضیلت دهد آن روزی را که در آن روز او به جهنم می‌رود بر سایر روزها.

تا آنکه احترام آن روز سنتی گردد در میان دوستان من و شیعیان اهل بیت من. پس حق تعالی وحی کرد به سوی من که ای محمد در علم سابق من گذشته است که دریابد تو را و اهل بیت تو را محنت‌ها و بلاهای دنیا و ستم‌های منافقان و غصب کنندگان از بندگان من، آن منافقانی که تو خیر خواهی ایشان کردی و باتو خیانت کردند و تو با ایشان راستی کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان صاف بودی و ایشان دشمنی تو را به دل گرفتند و تو ایشان را خشنود گردانیدی و ایشان تو را تکذیب کردند و تو ایشان را بر گزیدی و ایشان تو را در بلیه[۷] گذاشتند و سوگند یاد می‌کنم به حول و قوت و پادشاهی خود که البته بگشایم بر روح کسی که غصب کند حق علی را که وصی تو است بعد از تو؛ هزار در پست‌ترین طبقه‌های جهنم که آن را"فیلوق" می‌گویند و او را و اصحاب او را در قعر جهنم جا دهم که شیطان از مرتبه خود بر او مشرف شود و او را لعنت کند و آن منافق را در قیامت عبرتی گردانم برای فرعون‌هایی که در زمان پیغمبران دیگر بوده‌اند و برای

---

[۷] بلیه: جمع بلا

سایر دشمنان دین. و ایشان را و دوستان ایشان را به سوی جهنم برم با دیده های کبود و روهای ترش با نهایت مذلت و خواری و پشیمان. و ایشان را ابد الآباد در عذاب خود بدارم. ای محمد نمی‌رسد علی به منزله تو مگر به آنچه می‌رسد به او از بلاها از فرعون او و غصب کننده حق او که جرات می‌کند بر من و کلام مرا بَدَل می‌کند و شرک به من می‌آورد و مردم را منع می‌کند از راه‌های من و گوساله را از برای امت تو برپا می‌کند که از ابوبکر است. و کافر می‌شود به من در عرش عظمت و جلال من. به درستی که من امر کرده‌ام ملائکه هفت آسمان خود را که برای شیعیان و محبان دین شما که عید کنند آن روزی را که آن ملعون کشته می‌شود و امر کردم ایشان را که کرسی کرامت مرا نصب کنند در برابر بیت المعمور و ثنا کنند بر من و طلب آمرزش نمایند برای شیعیان و محبان شما از فرزندان آدم و امر کرده‌ام ملائکه نویسندگان اعمال را که از این رو تا سه روز قلم را از مردم بردارند و ننویسند گناهان ایشان را برای کرامت تو و وصی تو. ای محمد این روز را عیدی گردانیده‌ام برای تو و اهل بیت تو و برای هرکه تابع ایشان باشد از مومنان و شیعیان ایشان و سوگند یاد می‌کنم بر خود به عزت و جلال خود و علو منزلت و مکان خود که عطا کنم کسی را که عید کند این روز را از برای من ثواب آنها که بر دور عرش احاطه

کرده‌اند و قبول کنم شفاعت او را در خویشان او و زیاد کنم مال او را اگر گشادگی دهد بر خود و عیال خود در این روز و هرسال در این روز صد هزار هزار کس از موالیان و شیعیان شما را از آتش جهنم آزاد گردانم و اعمال ایشان را قبول گردانم و گناهان ایشان را بیامرزم. حذیفه گفت: پس بر خواست رسول خدا صلی الله علیه و آله و به خانه ام سلمه رفت و من برگشتم و صاحب یقین بودم در کفر او تا آنکه بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله دیدم که او چه فتنه‌ها بر انگیخت و کفر اصلی خود را اظهار نمود و از دین برگشت و دامان بی‌حیایی و وقاحت برای غصب امامت و خلافت برزد و قرآن را تحریف کرد و آتش در خانه وحی و رسالت زد و بدعت‌ها در دین خدا پیدا کرد و ملت پیغمبر را تغییر داد و سنت آن حضرت را بدل کرد و شهادت حضرت امیر المومنین را رد کرد و فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به دروغ نسبت داد و فدک را غصب کرد و یهود و نصاری و مجوس را از خود راضی کرد و نور دیده مصطفی را به خشم آورد و رضاجوئی اهل بیت رسالت نکرد و جمیع سنت‌های رسول را بر طرف کرد و تدبیر کشتن امیر المومنین کرد و جور و ستم را در میان مردم علانیه کرد و هرچه خدا حلال کرده بود حرام کرد و هرچه را خدا حرام کرده بود حلال کرد و حکم کرد که از پوست شتر دینار و درم

بسازند و خرج کنند و در بر شکم فاطمه زهرا زد و بر منبر حضرت رسالت صلی الله علیه و اله بالا رفت و بر حضرت امیرالمومنین افترا بست و با آن حضرت معارضه کرد و رای آن حضرت را به سفاهت نسبت داد. حذیفه گفت که پس حق تعالی دعای برگزیده خود و دختر پیغمبر خود را در حق آن منافق مستجاب گردانید و قتل او را بر دست کشنده او جاری ساخت. رفتم به نزد حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه که آن حضرت را تهنیه و مبارکباد بگویم به آنکه آن منافق کشته شد و به عذاب حق تعالی واصل گردید. چون حضرت مرا دید گفت: ای حذیفه! آیا خاطر داری آن روزی را که آمدی به نزد حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و من و دو سبط او حسن و حسین نزد او نشسته بودیم و با او طعام می خوردیم پس تو را دلالت کرد بر فضیلت این روز. گفتم: بلی ای برادر رسول خدا. حضرت فرمود: که به خدا سوگند که این روزیست که حق تعالی در آن روز دیده آل رسول صلی الله علیه و آله را روشن گردانید و من برای این روز هفتاد و دو نام می دانم.

حذیفه گفت: یا امیر المومنین! می‌خواهم که آن نام‌ها را از تو بشنوم. حضرت فرمود که: این روز استراحت است که مومنان از شر آن منافق استراحت یافتند و روز زایل شدن کرب و غم است و روز

غدیر دوم است و روز تخفیف گناهان شیعیان است و روز اختیار نیکو برای مومنین است و روز برداشتن قلم از شیعیان است و روز برهم شکستن بنای کفر و عدوان است و روز عافیت است و روز برکت است و روز طلب خون‌های مومنان است و روز عید بزرگست و روز مستجاب شدن دعا است و روز موقف اعظم است و روز وفا به عهد است و روز شرطست و روز کندن جامه سیاه است و روز ندامت ظالم است و روز شکسته شدن شوکت مخالفان است و روز نفی هموم است و روز فتح است و روز عرض اعمال از کافران است و روز ظهور قدرت خدا است و روز عفو از گناهان شیعیان است و روز فرح ایشان است و روز توبه است و روز انابت به سوی حق تعالی است و روز زکات بزرگ است و روز فطر دوم است و روز اندوه باغیان است و روز کِرِه شدن آب در گلوی مخالفان است و روز خشنودی مومنان است و روز عید اهل البیت است و روز ظفر یافتن بنی اسرائیل بر فرعون است و روز مقبول شدن اعمال شیعیان است و روز پیش فرستادن تصدقات است و روز زیادتی مثوبات است و روز قتل منافق است و روز وقت معلوم است و روز سرور اهل بیت است و روز مشهود است و روز قهر بر دشمن است و روز خراب شدن بنیان ضلالت است و روزی است که ظالم انگشت ندامت به دندان می گیرد و روز تنبیه است

و روز شرف است و روز خنک شدن دلهای مومنان است و روز شهادت است و روز تازگی بوستان اهل ایمان است و روز شیرینی کام ایشان است و روز خوشی دلهای مومنان است و روز بر طرف شدن پادشاهی منافقان است و روز توفیق اهل ایمان است و روز رهایی مومنان از کافران است و روز مظاهره است و روز مفاخره است و روز قبول اعمال است و روز تبجیل و تعظیم است و روز نحله و عطا است و روز شکر حق تعالی است و روز یاری مظلومان است و روز زیارت کردن مومنان است و روز محبت کردن ایشان است و روز رسیدن به رحمت های الهی است و روز پاک گردانیدن اعمال است و روز فاش کردن رازها است و روز برطرف شدن بدعت‌ها است و روز ترک گناهان کبیره است و روز ندا کردن به حق است و روز عبادت است و روز موعظه و نصیحت است و روز انقیاد پیشوایان دین است.(حذیفه گفت که:) پس از خدمت حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه برخاستم و گفتم اگر در نیابم از افعال خیر و آنچه امید ثواب از آن دارم مگر محبت این روز و داشتن فضیلت این را هر آیینه منتهای آرزوی من خواهد بود. پس محمد و یحیی راویان حدیث گفتند که: چون این حدیث را از احمد بن اسحاق شنیدیم هریک بر خاستیم و سر او را بوسیدیم و گفتیم: حمد و شکر می‌کنیم خداوندی را که بر انگیخت تو را از

برای ما تا آنکه فضیلت این روز را به ما رسانیدی پس به خانه‌های خود برگشتیم و این روز را عید کردیم. و صاحب کتاب زواید الفواید گفته است که این حدیث را از خط علی بن محمد بن طی رحمه الله علیه نوشتم و در کتب دیگر تتبع کردم چندین روایت دیگر موافق این یافتم پس اعتماد بر این روایات نمودم و سزاوار است شیعیان را که این روز را تعظیم نمایند و اظهار شادی و سرور در این روز بکنند. و شیخ ابراهیم بن علی کفعمی در کتاب مصباح گفته است که: صاحب کتاب مسار الشیعه روایت کرده است که هر که در روز نهم ماه ربیع الاول انفاق کند حق تعالی گناهان او را بیامرزد و مستحب است در این روز اطعام برادران مومن و خوش بو گردانیدن ایشان و توسعه دادن بر عیال خود و دیگران و پوشیدن جامه‌های نو و شکر عبادت حق تعالی و این روز بر طرف شدن غم‌ها است و روز روزه داشتن نیست. مترجم گوید که از نقل این بزرگواران معلوم شد که بر فضیلت این روز و وقوع این قضیه مبارکه در این احادیث بسیار وارد شده است و در اعصار سابقه میان شیعه مشهور بوده است و بر خلافش روایتی به نظر این قاصر نرسیده است و اتفاق مورخان عامه با احادیث معتبره معارضه نمی‌کند و اگر کسی استبعاد کند که چنین واقعه عظیمی که سبب حزن جمعی و سرور جمعی گردد چون می‌تواند بود که مضبوط

نماند جواب آن است که این واقعه از واقعه وفات حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و شهادت حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه عظیم‌تر نیست و در هر یک از آنها خلاف میان خاصه و عامه هست و در واقعه اول اتفاق دارند عامه بر خلاف آنچه مختار شیعه است و اگر گویند باعثی[۸] بر افترای ایشان اینجا نیست جواب می‌گوییم شبهه در هر دوجا جاری است و باعث قوی در اینجا هست که ممکن است که برای رفع شماتت شیعیان اخفای آن نموده باشند و علی ای حال چون مدار علمای عامه و خاصه بر آن است که در مستحبات به احادیث ضعیفه متمسک می‌شوند بنابر احایث صحیحه از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده است که هر که به ثوابی از خدا به او برسد بر عملی و آن را به جا آورد آن ثواب به او داده می شود هر چند چنان نباشد که به او رسیده است پس اگر اعمال این روز که نوعش از شارع واقع شده باشد و مخالفتی با آیات و اخبار نداشته باشد کسی به عمل آورد خوب خواهد بود و مستحق ثواب خواهد گردید و بعضی می‌گویند که عمر بن سعد علیه اللعنه در این روز به جهنم واصل شده است و اگر چنین باشد این شرافت نیز برای آن کافیست.

---

[۸] باعث: انگیزه

تمت الرساله و الحمدلله وحده وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین

من و هر کس که بر روی ترابیم فدای خاك پای بو ترابیم

صلی الله علیک یا مولانا مظهر العجائب اسد الله الغالب یا اباتراب یا امیر المومنین یا یعسوب الدین یا سید المسلمین یا ولی الاولین و الآخرین یا علی بن ابیطالب بابی انت و امی و نفسی و اهلی و مالی و اسرتی

فرحة الزهراء سلام الله علیها سال ۱۴۴۲ هجری قمری

کلب امیرالمومنین علیه السلام؛ ابو علی علوی

اسعد الله ایاکم سعیدا

قال باقر علیه السلام:

لیس فی القرآن شیء وقال شیطان الا وهو الثانی

هر جا در قرآن کلمه شیطان ذکر شده، مراد عمر است

بحار الانوار ج۳۰ ص۲۳۲

